

نامه به سردبیر

اهمیت استفاده از رویکرد دستیار آموزشی در دوره تحصیلات تکمیلی

لیلا جویباری^۱، فائزه صمدی^{۲*}

آموزش توسط همتابان یکی از روش‌های پیشنهاد شده و مورد استفاده در فرآیند آموزشی می‌باشد که به دو نوع شریک و نزدیک می‌باشد (۲، ۳). در نوع شریک، دانشجویان از نظر مرتبه علمی و دانشگاهی در یک سطح قرار دارند اما در نوع نزدیک، دانشجوی یاددهنده از نظر علمی و یا تجربه در سطح بالاتری قرار دارد، به عبارتی در محیط دانشگاهی حداقل یک سال تجربه بیشتری دارد (۴). تجربه کسب شده در بستر دستیار آموزشی، این نکته را حائز اهمیت کرده است که در محیط بالین حضور دانشجوی تحصیلات تکمیلی دستیار آموزشی به عنوان یاددهنده در کنار دانشجویان کارشناسی به عنوان یادگیری آموزش همتا از نوع نزدیک را در پس‌زمینه تدریس و یادگیری به اجرا در می‌آورد. این به نحوی می‌باشد که هر دو گروه دانشجویان از یکدیگر یادگیری را به طور فعال به انجام می‌رسانند. تفاوتی که این نوع آموزش با دیگر آموزش‌های بالینی ایجاد کرده است، درک متقابل و تفاهم بیشتر به دلیل کم بودن تفاوت سنی، به وجود آمدن حس همدلی و به طبع به کارگیری و استفاده بیشتر از آموزش در حال اجرا می‌باشد. بارزترین نمونه‌ها شامل این است که دانشجوی کارشناسی، از تجارب بالینی و دانش علمی و دانشجوی دستیار آموزشی، از نحوه همکاری، ارتباط و حتی اطلاعات دیگر دانشجویان بهره‌مند می‌شوند. بعلاوه، نحوه برقراری ارتباط بین مدرس و یادگیرنده، افزایش اعتماد به نفس

به کارگیری دانشجویان تحصیلات تکمیلی در فرآیندهای مدیریتی، آموزشی و تدریس مستقل یکی از دستورالعمل‌های جاری با هدف تربیت و تقویت دانشجویان در این حیطه‌های ذکر شده می‌باشد، که تحت عنوان دستیار آموزشی (Teacher Assistance) اجرا می‌شود. این دستورالعمل همسو با برنامه آموزشی دانشجویان مقاطع تحصیلات تکمیلی می‌باشد. یکی از وظایف تعریف شده، تدریس بالین در حیطه آموزشی منتخب برای دانشجویان کارشناسی، توسط دانشجویان تحصیلات تکمیلی دارای صلاحیت می‌باشد. آموزش بالین توسط دانشجوی تحصیلات تکمیلی بخش مهمی از اندوخته تجارب را در برمی‌گیرد، چرا که دانشجویان را با روبرو کردن چالش‌های تدریس، مدیریت، ارتباط با دانشجو و سایر مسائل میدانی آماده می‌کند. با توجه به اینکه آموزش فرآیندی پویا می‌باشد، انجام آموزش به روش دستیار آموزشی دارای محاسن متعددی برای هر دو گروه دانشجوی یاددهنده و یادگیرنده دارد که از آن جمله می‌توان به تفهیم و درک راحت‌تر دروس، انتقال مؤثر و آسان مطالب علمی از دانشجو به دانشجوی، تقویت روحیه پرسشگری، مهارت مربی‌گری در دانشجویان تحصیلات تکمیلی، کار گروهی و غیره اشاره کرد. همچنین یکی از موارد قابل توجه که در تجارب آموزش به روش دستیار آموزشی مشهود هست، آموزش همتا از نوع نزدیک (Near Peer Teaching) می‌باشد (۱).

۱- استاد، دانشکده پرستاری و مامایی، گروه پرستاری، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی گلستان، گرگان، ایران.

۲- دانشجوی کارشناسی ارشد، دانشکده پرستاری و مامایی، گروه پرستاری داخلی جراحی، دانشگاه علوم پزشکی تهران، تهران، ایران.

* (نویسنده مسئول): تلفن: ۹۸۹۳۵۹۶۰۶۷۳۸ پست الکترونیکی: f-samadi@razi.tums.ac.ir

کسب تجربه غنی از مهارت حل مسئله و نحوه به کارگیری آن در محیط آموزشی بالین و کلاس شده است. یکی از نکاتی که امروزه بیش از پیش به آن توجه می‌شود، قرارگیری سنگ بنای پژوهشی مبتنی بر مشاهدات، تجارب و شواهد بالین (Evidence-Based Research) می‌باشد (۵). در آموزش بالین، حضور ذهن فعال و پرسشگر (دانشجوی کارشناسی) در کنار فرد مطلع و راهنمای پژوهش (دانشجوی دستیار آموزشی) می‌تواند بستری لازم برای شکل‌گیری تفکر نقادانه و اسوه پژوهشی باشد. این الگو می‌تواند منجر به شکل‌گیری شناخت درست از ماهیت پژوهش، نیازسنجی و کاربردی کردن نتایج پژوهشی شود. دیده شده است که با قرارگیری این الگو، گروه‌های پژوهشی متشکل از دانشجویان کارشناسی همراه با مدیریت دانشجوی تحصیلات تکمیلی (دستیار آموزشی)، به پژوهش سؤالات حل نشده و خلأهای موجود در بالین، می‌پردازند.

موانع و مشکلاتی که می‌تواند در محیط بالین و در روند آموزشی کارآموزی برای دانشجویان کارآموز وجود داشته باشد، از دید یک دانشجوی دستیار آموزشی که فاصله زیادی با مقطع قبلی ندارد، می‌تواند در شناسایی این موانع از زاویه دید متفاوت و ارائه راهکارهای آموزشی جدید، مؤثر باشد. از آنجایی که دانشجوی دستیار آموزشی ارتباط و آشنایی نزدیکی با این مقطع و نحوه یادگیری دانشجویان در این محیط دارد، می‌تواند با ارائه راهکارها و به اشتراک گذاشتن تجارب خود به دانشجویان، در حل مشکلات آموزش بالینی و یادگیری مفید بسیار کمک‌کننده باشد. قرارگیری در جایگاه تدریس که با دوره پیشین مقطع تحصیلی، فاصله قابل توجهی را نداشته است منجر به ارتباط بهتر دانشجویان کارشناسی با مربی بالین (نویسنده) و تفهیم بهتر مطالب شده است. بازخوردهای دریافت شده این نکته را حائز اهمیت کرده است که قرارگیری دستیار آموزشی در دوره آموزشی دانشجویان یادگیرنده، موانع ارتباطی و آموزشی را به حداقل می‌رساند و انتقال مطالب و درک آن تسهیل می‌شود.

دو گروه و الگوبرداری درست از فرد دارای صلاحیت، نیز از مواردی هستند که می‌توان از این نوع آموزش در بستر دستیار آموزشی بهره‌مند شد. براساس تجربه نویسنده در استفاده از رویکرد دستیار آموزشی، دوره گذرانده شده در کنار دانشجویان کارشناسی توانسته است دید نقادانه را در حیطه آموزش پرستاری در دستیار آموزشی تقویت کند. بدین صورت که با آموزش بالینی موارد تعیین شده برای دانشجویان کارشناسی که از قبل به صورت تئوری فراگرفته‌اند و نیز دریافت بازخورد، نحوه آموزش به کار گرفته شده و میزان تأثیرپذیری آن به طور قابل توجهی نمایان می‌شود. این رویکرد منجر به ارائه راهکارها و اصلاحاتی می‌شود که در دستورالعمل اجرایی قرار می‌گیرد. لازم به ذکر است که در طی جلسات انتقال تجارب دستیاران آموزش، بهره‌مندی از تجارب سایر دانشجویان دستیار آموزشی و نحوه مدیریت چالش‌ها، زمینه‌ساز آموزش هم‌تا برای دانشجویان تحصیلات تکمیلی در حیطه دستیار آموزشی نیز شده است.

اهمیت تقویت مهارت تدریس برای دانشجویان در مقطع تحصیلات تکمیلی مشهود است. یکی از اهداف تعریف شده پیش رو برای دانشجویان تحصیلات تکمیلی، آمادگی برای قرارگیری در زمینه آموزشی است، لذا تجربه کسب شده توسط دستیار آموزشی می‌تواند این آمادگی را تسهیل و تقویت کند؛ بخش مهمی از این آمادگی با قرارگیری در جایگاه تدریس و برقراری ارتباط با دانشجو کسب می‌شود. تدریس در قالب دستیار آموزشی، جنبه‌های مختلف تدریس را در جهت بهتر کردن این توانایی برای دانشجوی تحصیلات تکمیلی به چالش می‌کشد، همچنین بازخوردی که از نحوه تدریس و مطالب بیان شده دریافت می‌شود، اهمیت بسیار زیادی در برطرف‌سازی اشکالات و تقویت نقاط قوت دارد. علاقمندان از این فرصت به نحوه احسن برای تقویت ابعاد مختلف مهارت مربی‌گری، تدریس و ارتباط با دانشجو استفاده می‌کنند. یکی از تجارب بسیار مهم نویسنده، روبرو شدن با چالش‌های تدریس و کسب آمادگی بیشتر در حل کردن موانع مشابه می‌باشد که خود منجر به

پژوهش اشاره کرد، که هر یک بخشی از فرآیند کسب تجربه و نیز یادگیری هم‌تا از نوع نزدیک را ایجاد می‌کنند. از این رو آموزش به روش دستیار آموزشی می‌تواند روشی مؤثر و کارآمد در آموزش بالین برای دانشجویان مقطع کارشناسی و تقویت مهارت تدریس و مدیریت چالش‌های بالین برای دانشجویان تحصیلات تکمیلی به دنبال داشته باشد. همچنین استفاده از این برنامه آموزشی می‌تواند در شناسایی موانع و مشکلات آموزش بالین، از دید یک دانشجوی آموزش دهنده، سریع‌تر انجام گردد و برطرف شود. بنابراین افزودن برنامه آموزشی دستیار آموزشی در دستورالعمل درسی تأکید می‌شود.

چراکه دستیار آموزشی درصدد شناسایی و برطرف کردن بهتر نیازهای دانشجویان مشابه با دوره و تجربه خود می‌باشد. در پس‌زمینه ارتباط دانشجوی دستیار آموزشی و دانشجوی کارشناسی می‌توان به جنبه روانشناختی ارتباط با فرد باتجربه نیز اشاره کرد، به طوریکه دانشجوی کارشناسی با الگو گرفتن و دانشجوی دستیار آموزشی با شرح تجارب و آموخته‌های خود می‌تواند مسیر پیش‌رفته را برای دانشجویان علاقمند توضیح دهد و جنبه‌ای تشویقی برای دانشجویان مقطع کارشناسی فراهم کند. از دیگر وظایف دانشجویان دستیار آموزشی می‌توان به ارزیابی آزمون آسکی، مشارکت در طراحی آزمون آسکی، تدریس و

References

1. Irvine S, Williams B, McKenna L. *Near-peer teaching in undergraduate nurse education: An integrative review*. Nurse education today. 2018; 70: 60-8.
2. de Menezes S, Premnath D. *Near-peer education: a novel teaching program*. *Int J Med Educ*. 2016; 7: 160.
3. Secomb J. *A systematic review of peer teaching and learning in clinical education*. *J clin Nurs*. 2008; 17(6): 703-16.
4. Rashid MS, Sobowale O, Gore D. *A near-peer teaching program designed, developed and delivered exclusively by recent medical graduates for final year medical students sitting the final objective structured clinical examination (OSCE)*. *BMC medical education*. 2011; 11(1): 1-7.
5. Robinson KA, Brunnhuber K, Ciliska D, Juhl CB, Christensen R, Lund H. *Evidence-based research series-paper 1: what evidence-based research is and why is it important?*. *J Clin Epidemiol*. 2021; 129: 151-7.